

تحول رویکرد به تروریسم در اسناد بین‌المللی: خلاءهای حقوقی و

پیامدها

محمود جلالی^۱
لیلا ربیسی^۲
محمد حبیبی مجنده^۳
رضا زبیب^۴

چکیده

پدیده تروریسم اوائل دهه شصت میلادی با تدوین کنوانسیون ۱۹۶۳ توكیو بصورت رسمی در عرصه معاهدات چندجانبه مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت. یک دهه پس از آن نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ با تصویب قطعنامه شماره ۳۰۳۴ آنرا وارد ادبیات سازمان نمود. علیرغم گذشت بیش از نیم قرن از توجه جامعه جهانی به این موضوع و تصویب یا تدوین حدود ۱۵۰ کنوانسیون منطقه‌ای و بین‌المللی و قطعنامه سازمان ملل متحد در مورد این پدیده، جامعه جهانی همچنان فاقد یک رویکرد حقوقی منسجم برای مقابله با تروریسم است. عدم ارائه تعریفی از تروریسم را می‌توان مهمترین چالش در این زمینه دانست که متضمن پیامدهای قابل توجه حقوقی است. این موضوع باعث گردیده حقوق بین‌الملل نتواند به شکلی متوازن و مؤثر پاسخگوی نیازهای جامعه بین‌المللی باشد. ابهام در تعریف، تفکیک میان مبارزات مشروع و آزادی‌بخش و توسل به تروریسم را ممتنع نموده و امکان «سوء استفاده از حق دفاع مشروع» برای مقابله با مبارزات قانونی را تحت عنوان اقدامات تروریستی فراهم نموده و بصورت گسترده‌ای امکان نقض حقوق بشردوستانه را به همراه داشته است.

کلید واژه‌ها: تروریسم، شورای امنیت، مجمع عمومی، دفاع مشروع، کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم.

m.jalali@ase.ui.ac.ir
raisi.leila@gmail.com
mhabibiim@gmail.com
zabib@mail.com

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان
۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه مفید قم
۴. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

۱. مقدمه

بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع مختلف نشان می‌دهد ترور که در ادبیات اسلامی ذیل مفهوم «فَتْکُ» مورد بحث قرار می‌گیرد و بر اساس روایاتی از پیامبر گرامی اسلام (ص)، امری منع شده است، بعنوان اقدامی جنایی جهت حذف برخی افراد شاخص مانند سیاستمداران، با اهداف سیاسی، همواره وجود داشته، اما در نیمه دوم قرن بیستم به پدیده‌ای نسبتاً مستمر تبدیل گردید و لذا مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفت. از اوایل دهه شصت میلادی تا سال ۲۰۱۵ میلادی، حدود ۱۵۰۰ قطعه نامه و کنوانسیون در مورد مبارزه با تروریسم تصویب و تدوین شده است. در این دوره، تروریسم در سه مرحله مورد توجه دولت‌ها و مجامع بین‌المللی قرار گرفته است. در مرحله اول، تروریسم از زاویه یک جرم فردی و پیامدهای آن بر «ایمنی» افراد در حوزه‌های مشخصی مانند هوانوردی مورد توجه قرار گرفت. در مرحله دوم، تروریسم در حوزه‌های خاص مانند گروه‌گانیگری در کانون توجه بود. برخی رویدادهای تروریستی بزرگ که نهایتاً به حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ منتهی گردید موجب شد تروریسم در گام سوم مشخصاً بعنوان پدیده‌ای فراگیر که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌نماید، تعریف شود.

پرسش پژوهش حاضر این است که ادبیات و مفهوم تروریسم در این فرآیند چگونه متحول گردیده و اکنون در چه موقعیتی قرار دارد؟ آیا تعریف روشن و مورد اجماعی در مورد این مفهوم به دست آمده است تا مبنای حقوقی تعامل با این موضوع باشد؟ کاستی‌های موجود و چالش‌های حقوقی فراروی مبارزه با تروریسم چیست؟ و نهایتاً اینکه وضعیت جاری حقوق بین‌الملل در مورد مبارزه با تروریسم چه تأثیری بر امکان توسل به اصل دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم دارد؟ مفروض کلان پژوهش حاضر این است که حفظ اعتبار حقوق بین‌الملل ایجاب می‌نماید که این حقوق بتواند پاسخگوی پدیده‌های نوینی مانند تروریسم باشد. فرضیه‌ای که پژوهش به آزمون می‌گذارد این است که فرآیند توجه جامعه جهانی به تروریسم، به علت کاستی‌های جدی نتوانسته است به شکلی متوازن و مؤثر پاسخگوی نیازهای مورد نظر باشد. لذا خلاءهای جدی در این زمینه وجود دارد.

کنوانسیون‌ها و بویژه قطعنامه‌های ذریبط که ماهیت بین‌المللی دارد، عمدتاً مصادیق تروریسم را ذکر نموده‌اند. از طرف دیگر از دهه نود به بعد عملاً «علل توسل به تروریسم» در اسناد بین‌المللی نادیده گرفته شده و به «معلول» توجه شده است. این امر به موازات فقدان تعریف مشخص از تروریسم، پیامدهای مشخص حقوقی دارد. نقض اصول حقوق بشردوستانه و حق دفاع مشروع را می‌توان مهمترین این پیامدها دانست.

پژوهش حاضر بعنوان گامی نظری در راستای شناسایی کاستی‌های موجود در حقوق قراردادی مبارزه با تروریسم و پیامدهای حقوقی آن، در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول با مرور اسناد بین‌المللی تلاش خواهد شد تحول جایگاه تروریسم در حقوق بین‌الملل تبیین شود و در بخش دوم ابعاد مختلف خلاء نظری موجود و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهاداتی برای جبران آنها ارائه می‌شود.

۲. تحول جایگاه نظری - حقوقی تروریسم در معاهدات و قطعنامه‌ها

بخش حاضر چگونگی تحول مفهوم تروریسم در کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را مورد بررسی قرار داده و جایگاه فعلی آن در ادبیات حقوقی بین‌المللی را ترسیم می‌نماید.

۱.۲. کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

دوازده کنوانسیون بین‌المللی و هفت کنوانسیون منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف مبارزه با تروریسم تدوین شده است. از نظر پژوهش حاضر، رویکرد جامعه جهانی نسبت به پدیده تروریسم در این کنوانسیون‌ها سه مرحله را طی نموده است:

۱.۱.۲. برخورد غیرامنیتی با موضوع تروریسم در چارچوب حفظ ایمنی

«کنوانسیون سازمان کشورهای امریکایی برای پیشگیری و مجازات اعمال تروریستی به شکل ارتکاب جرم و اخاذی مرتبط با آن علیه افراد که حائز اهمیت بین‌المللی است» (OAS Convention, 2 February 1971) در بند دوم مقدمه مقرر می‌دارد از آنجایی که «اقدامات جنایی علیه افرادی که بر اساس حقوق بین‌الملل مشمول حمایت ویژه هستند

مکرراً اتفاق می‌افتد و اینگونه اقدامات به جهت پیامدهایی که ممکن است از ناحیه آنها متوجه روابط میان دولت‌ها شود...» در ماده ۲ نیز تصریح می‌نماید «آدم ربایی، کشتن و سایر موارد تعرض علیه جان یا سلامتی افراد...، باید جرائم مشترک دارای اهمیت بین‌المللی تلقی شود». بنابراین نقطه تمرکز کنوانسیون بر اقدامی جنایی است که آثاری در روابط میان دولت‌ها می‌تواند داشته باشد. اما کنوانسیون اشاره‌ای به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی ندارد.

«کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم» (European Convention, 27 January 1977) ذیل ماده ۱ جرم سیاسی را از جرائم مندرج در کنوانسیون‌های توکیو (۱۹۶۳)، مونترال (۱۹۷۱) و تعرض به افراد تحت حمایت بین‌المللی، گروگان‌گیری و اقدام مسلحانه یا با استفاده از بمب علیه افراد جدا می‌نماید و در سایر بندها هم بر موضوع استرداد و ابعاد مختلف آن تمرکز می‌نماید. بنا بر این عمدتاً یک توافق فنی میان کشورهای عضو است که متعرض ابعاد محتوایی یا پیامدهای تروریسم نمی‌شود.

«کنوانسیون سارک در مورد منع تروریسم» (SAARC, 4 November 1987) در بند دوم مقدمه، تروریسم را مشکلی جدی (Serious Problem) معرفی می‌کند. در بند سوم به «آثار تروریسم بر زندگی، اموال، توسعه اقتصادی- اجتماعی، ثبات سیاسی، صلح و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی» اشاره می‌نماید و در بند چهارم نیز خطرات گسترش تروریسم و تأثیرات زیانبار آن بر صلح، همکاری، دوستی و حسن رابطه همسایگان و حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها را یادآوری می‌کند. ورود کنوانسیون به موضوع تروریسم در همین حد باقیمانده و در بخش اجرایی، با پیروی از رویکرد فنی کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم، ذیل ماده ۱ میان جرائم تروریستی و سیاسی تفکیک قائل می‌شود و مواد ۲ تا ۷ کنوانسیون نیز ابعاد مختلف استرداد متهمین را تشریح می‌نماید.

«کنوانسیون توکیو در مورد جرائم و برخی دیگر از اعمالی که در هواپیما انجام می‌شود» (Convention on Offences and Certain Other Acts Committed on Board Aircraft, 14 September 1963) ذیل بند ۱(b) از ماده یک مقرر می‌دارد: «این

کنوانسیون در مورد اقداماتی اعمال می‌شود که احتمالاً یا واقعاً ایمنی هواپیما یا افراد و محموله حاضر در آن، یا نظم بایسته آنها به مخاطره می‌اندازد». «کنوانسیون لاهه در مورد منع هواپیما ربایی» (Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, 16 December 1970) نیز در بندهای اول و دوم مقدمه خود مقرر می‌دارد «با توجه به اینکه تصرف یا بدست گرفتن کنترل هواپیمای در حال پرواز ایمنی (Safety) افراد و اموال موجود در آن را به مخاطره می‌اندازد، ... اعتماد مردم نسبت به ایمنی هوانوردی را تضعیف می‌نماید...». کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال نیز عیناً همین رویکرد را دارد.

با توجه به مراتب فوق، می‌توان گفت ادبیات این مرحله از تدوین معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی، عمدتاً به تروریسم از زاویه جرم فردی، ابعاد فنی برخورد دول مربوطه با آن یا تأمین ایمنی مسافران در برابر اقدامات مجرمانه مورد توجه قرار داده است.

۲.۱.۲. نگرش موضوعی به تروریسم بعنوان مسئله‌ای با ابعاد امنیتی و بین‌المللی

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد «پیشگیری و مجازات جنایات علیه افراد مورد حمایت بین‌المللی از جمله کارگزاران دیپلماتیک» (Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents, 14 December 1973) نسبت به اسناد مشابه تدوین شده در مرحله اول ادبیات متفاوتی دارد. بندهای ۱ تا ۳ مقدمه این کنوانسیون مقرر می‌دارد «... با عنایت به اهداف و اصول منشور ملل متحد در خصوص حفظ صلح بین‌المللی و ترویج همکاری و روابط دوستانه میان دولت‌ها، با توجه به اینکه اینگونه اقدامات ... موجب تهدید جدی نسبت به حفظ روابط عادی بین‌المللی می‌شود ...، با باور به اینکه ارتکاب چنین جرائمی موجب نگرانی عمیق جامعه جهانی است، ...».

پاراگراف اول مقدمه «کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری» (International Convention against the Taking of Hostages, 17 December 1979) مقرر می‌دارد «با عنایت به اهداف و اصول منشور ملل متحد در خصوص حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج همکاری و روابط دوستانه میان دولت‌ها»... . پاراگراف چهارم نیز مقرر

می‌دارد «... گروهانگیری جرمی است که موجب نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی است...» و در پاراگراف پنجم هم تصریح می‌نماید «با توجه به ... ضرورت تقویت فوری همکاری ... در جهت تدوین و اجرای اقدامات مؤثر برای پیشگیری، تعقیب و مجازات همه اعمال گروهانگیری بعنوان نمادهایی از تروریسم بین‌المللی، ...». به این ترتیب دو مفهوم امنیت بین‌المللی و گروهان گیری بعنوان نمادی از تروریسم بین‌المللی وارد این ادبیات می‌شود.

«کنوانسیون رم در مورد منع اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی» (Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation, 10 March 1988) با تکرار بند اول از مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۹ گروهانگیری، در بند سوم مقدمه اعلام می‌دارد «با نگرانی عمیق نسبت به تشدید اقدامات تروریستی در سطح جهانی ... که موجب قتل یا تهدید نسبت به جان افراد بیگناه می‌شود، آزادیهای بنیادین را به مخاطره انداخته و کرامت بشری را مخدوش می‌نماید ...». به این ترتیب، تشدید اقدامات تروریستی و مخاطره آن برای آزادیهای بنیادین و کرامت بشری در این کنوانسیون به ادبیات موضوع اضافه می‌شود.

«کنوانسیون ۱۹۹۱ مونترال در مورد علامت‌گذاری مواد انفجاری پلاستیکی» (Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection, 1 March 1991) در بند اول و دوم مقدمه مقرر می‌دارد «... با آگاهی از پیامدهای اقدامات تروریستی بر امنیت بین‌المللی، ... با ابراز نگرانی عمیق نسبت به اقدامات تروریستی که با هدف تخریب هواپیما، سایر اهداف و وسایل حمل و نقل انجام می‌شود ...». لذا این کنوانسیون نیز با اصلاح رویکرد کنوانسیون ۱۹۷۰ که صرفاً ایمنی را مد نظر قرار می‌دهد، ادبیات این حوزه را از «ایمنی» به «امنیت» تغییر داده و آن را به امنیت بین‌المللی، نیز مرتبط می‌نماید.

با توجه به مراتب فوق می‌توان گفت تروریسم در این دوره حول محورهای موضوعی مانند گروهان گیری و ... اما بعنوان مسئله‌ای با ابعاد امنیتی و بین‌المللی مورد توجه است.

۳.۱.۲. تروریسم بعنوان یک پدیده مستقل و تهدید صلح و امنیت

معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی در مرحله سوم با گذار از نگاه ایمنی و حوزه‌های خاص، تروریسم را با رویکردی فراگیر و ابعاد بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهند.

«کنوانسیون عرب برای مقابله با تروریسم» (Arab Convention on the Suppression of Terrorism, 22 April 1998) در بند یک مقدمه، تروریسم را تهدیدی علیه امنیت و ثبات ملت‌های عربی معرفی می‌کند. در قسمت اول، ماده (۳ و ۲) ۱ تعریفی از تروریسم ارائه و مصادیق آنرا نیز بیان می‌نماید. به این ترتیب، تروریسم در این کنوانسیون مشخصاً بعنوان یک پدیده مستقل در نظر گرفته شده است. «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مورد مبارزه با تروریسم بین‌المللی» (Convention of the OIC on Combating International Terrorism, 1 July 1999) نیز با الگو برداری از کنوانسیون عربی، ذیل ماده (۲) ۱ تعریف مبسوطی از تروریسم ارائه می‌دهد. ساختار و ادبیات این کنوانسیون شباهت زیادی به کنوانسیون عرب در مورد مبارزه با تروریسم دارد.

«کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا در مورد پیشگیری از تروریسم و مبارزه با آن» (OAU Convention on the Prevention and Combating of Terrorism, Algiers, 14 July 1999) در بند پنجم مقدمه نگرانی عمیق خود را از خطرات تروریسم برای ثبات و امنیت دولت‌ها اعلام می‌کند. در ماده (۳) ۱، تعریف تروریسم را بیان و مصادیق عمل تروریستی را احصاء می‌نماید که از جمله شامل اقدام علیه منابع طبیعی، محیط زیست و میراث فرهنگی می‌شود و به این ترتیب عناصر جدیدی را وارد مقوله تروریسم می‌نماید. این امر در کنار تبیین مبسوط تعهدات دولت‌های عضو برای انجام اقدامات مشخص بمنظور مبارزه با تروریسم ذیل مواد ۴ و ۵، اختصاص بخش پنجم از کنوانسیون به موضوع تحقیقات فراسرزمینی^۱ در مورد حوادث تروریستی گویای رویکرد فراگیر و عینی آن نسبت به تروریسم است.

«پیمان همکاری میان کشورهای همسود برای مبارزه با تروریسم» (Treaty on

1. Extra Territorial Investigations (Commission Rogatoire).

Cooperation among States Members of the Commonwealth of Independent States in Combating Terrorism, 4 June 1999) پس از ارائه تعریفی مبسوط از تروریسم در ماده ۱، ذیل مواد ۲، ۵ و ۱۱ تعهدات دقیق کشورهای عضو برای مبارزه با تروریسم را ذکر می‌نماید ضمن اینکه با تدوین مقررات ناظر بر مبادله یگان‌های ضد تروریسم میان کشورهای عضو ذیل مواد ۱۲ تا ۱۵، ماهیت فراسرزمینی تروریسم را مورد تأکید قرار می‌دهد.

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد «منع بمب گذاری تروریستی» (International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, 15 December 1997) ابتدا در بندهای اول و دوم مقدمه، اهداف منشور ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را با همان ادبیات کنوانسیون ۱۹۷۹ گروگانگیری تکرار می‌کند. سپس با تکرار بند سوم از مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۸ ایمنی دریانوردی در مورد نگرانی از تشدید اقدامات تروریستی، در بند هفتم مقدمه یادآوری می‌کند «بمب گذاری بوسیله مواد منفجره ... بصورت فزاینده‌ای فراگیر شده است» و در بند دهم «اینگونه اقدامات را موجب نگرانی عمیق جامعه جهانی می‌داند». ماده ۳ کنوانسیون، تروریسم را بعنوان پدیده‌ای با ماهیت فراملی مورد توجه قراردادده و مقرر می‌دارد: «در مواردی که جرم در یک کشور روی داده و مجرم و قربانی شهروندان همان کشور هستند ... مقررات این کنوانسیون اعمال نمی‌شود ...». «کنوانسیون منع حمایت مالی از تروریسم» (International Convention for the Suppression of Terrorism, 9 December 1999) نیز ضمن تکرار مقدمات فوق الذکر، مصادیق حمایت مالی از تروریسم را در ماده (۵ تا ۳ و ۱) ۲ مشخص می‌کند. ذیل ماده ۳ نیز مانند کنوانسیون منع بمب گذاری، ماهیت فرامرزی اهداف کنوانسیون را- با تکرار ماده ۳ آن کنوانسیون- تبیین می‌نماید. «کنوانسیون مقابله با تروریسم هسته‌ای» (International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, 13 April 2005) نیز در ماده ۳ با تکرار مفاد ماده ۳ دو کنوانسیون فوق الذکر، ماهیت فرامرزی تروریسم را مورد تأکید قرار می‌دهد. «کنوانسیون پکن در مورد مبارزه با کارهای غیرقانونی مرتبط با هوانوردی مدنی بین‌المللی» (Convention on the Suppression of Unlawful Acts Relating to International Civil Aviation,

در ماده ۱ برای اولین بار جرائم قابل ارتکاب با استفاده از هواپیما را ذکر می‌نماید، ضمن اینکه استفاده از انواع سلاح و عناصر هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی را نیز از جمله این مصادیق بر شمرده است.

با توجه به مراتب فوق، تروریسم در مرحله سوم مستقلاً بعنوان پدیده‌ای که صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تهدید می‌نماید، مورد توجه قرار گرفته است.

۳. سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم

مجمع عمومی از سال ۱۹۷۲ تاکنون بیش از ۸۰ قطعنامه در مورد مبارزه با تروریسم تصویب نموده^۱ که از میان این اسناد، «اعلامیه مربوط به اقدامات برای محو تروریسم بین‌الملل» (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, A/RES/49/60)، «استراتژی جامع ضدتروریسم سازمان ملل متحد»^۲ و «توصیه‌های دبیرکل برای مبارزه فراگیر با تروریسم» (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, A/RES/49/60) را می‌توان اسناد پایه تلقی نمود. علاوه بر این، شورای امنیت نیز ۴۸ قطعنامه در مورد این موضوع تصویب نموده است.^۳ بررسی این اسناد ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد:

۱.۳. ویژگی‌های شکلی

تا اواخر قرن بیستم رسیدگی به موضوع تروریسم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد متمرکز بود بگونه‌ای که از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۹ حدود ۲۰ قطعنامه از سوی مجمع عمومی در این

۱. برای مشاهده فهرست و لینک این قطعنامه‌ها بنگرید به پایگاه اینترنتی سازمان مشاهده شده در خرداد ۹۴: UN Action to Counter Terrorism: <http://www.un.org/en/terrorism/resolutions.shtml>.

۲. این استراتژی که اول بار به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ منضم به قطعنامه ۶۰/۲۸۸ به تصویب مجمع عمومی رسیده، تاکنون سه بار طی قطعنامه‌های (۲۰۰۸) ۶۲/۲۷۲، (۲۰۱۰) ۶۴/۲۹۷ و (۲۰۱۲) ۶۶/۲۸۲ مورد بازنگری و تکمیل قرار گرفته است. برای لینک اسناد بنگرید به این پایگاه اینترنتی مشاهده شده در خرداد ۹۴:

SC Counter-terrorism Committee: <http://www.un.org/en/sc/ctc/resources/res-ga.html>.

۳. برای مشاهده فهرست و لینک ۴۲ مورد از این قطعنامه‌ها بنگرید به این پایگاه اینترنتی مشاهده شده در خرداد ۹۴: <http://www.securitycouncilreport.org/un-documents/search.php?ctype=Terrorism&rtype=Security%20Council%20Resolutions&cbtype=terro>

زمینه تصویب شد در حالیکه فقط دو قطعنامه (۱۹۷۰) ۲۸۶ در مورد هواپیمارمایی و (۱۹۸۵) ۵۷۹ در خصوص محکومیت گروگانگیری و آدم ربایی توسط شورای امنیت به تصویب رسید. اما از سال ۱۹۹۹ تا فوریه ۲۰۱۵ حدود ۴۰ قطعنامه در مورد تروریسم به تصویب شورا رسیده است. ویژگی دوم عبارت است از محدودیت حجم قطعنامه‌های اولیه و تکراری بودن بخش قابل توجهی از پاراگراف‌ها تا اواخر قرن بیستم در برابر افزایش حجم اسناد و پرداختن به ابعاد جدید موضوع در دوره پس از آن.

۲.۳. ورود مسائل جدید و مرتبط با تروریسم به ادبیات سازمان ملل متحد

برخی از قطعنامه‌ها مسائل جدیدی را وارد ادبیات مبارزه با تروریسم می‌نمایند مانند: ارتباط تروریسم با سلاح کشتار جمعی در قطعنامه (۲۰۰۳) ۱۴۵۶، ارتباط رو به رشد گروه‌های تروریستی با قاچاق مواد مخدر در قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ و (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶، اشاره به ارتباط نزدیک جرائم ارتكابی از طریق پولشویی، قاچاق مواد مخدر، تجارت غیرقانونی سلاح، قاچاق مواد هسته‌ای و سایر مواد بالقوه کشنده با تروریسم ذیل بند ۶ ضمیمه قطعنامه (۱۹۹۴) ۶۰/۴۹. همچنین اینگونه مسائل که ابتدا در مقدمه قطعنامه‌ها ذکر می‌شود، متعاقباً در مواردی به موضوع صدور قطعنامه‌های بعدی تبدیل می‌شود. مقابله با تأمین مالی تروریسم در قطعنامه‌های (۲۰۰۲) ۱۳۹۰ و (۲۰۰۴) ۱۵۲۶، ارتباط جنایات سازمان یافته با تروریسم در قطعنامه (۲۰۱۴) ۲۱۹۵، پیشگیری از دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی (۲۰۰۳) ۵۷/۸۳، پیشگیری از خطر تروریسم رادیولوژیکی (۲۰۰۶) ۶۰/۷۳ و ابعاد حقوق بشری تروریسم و مقابله با آن از جمله این موارد است.

۳.۳. تروریسم در قطعنامه‌های مجمع عمومی

تروریسم در این اسناد ابتدا صرفاً بعنوان پدیده‌ای مورد توجه است که جان انسان‌های بیگانه و آزادی‌های بنیادین را هدف قرار داده یا تهدید می‌کند. بعنوان نمونه، قطعنامه‌های (۱۹۷۲) ۳۰۳۴ در ماده ۱، (۱۹۷۶) ۳۱/۱۰۲ و (۱۹۷۷) ۳۲/۱۴۷ در بند اول مقدمه، (۱۹۷۹) ۳۴/۱۴۵، (۱۹۸۱) ۱۰۹/۳۶ و (۱۹۸۳) ۱۳۰/۳۸ در بند سه مقدماتی و ماده ۳ اعمال تروریستی را محکوم می‌کند که موجب بخطر افتادن جان افراد و آزادی‌های بنیادین

می‌شود. ماده ۱ قطعنامه اخیر از دست رفتن جان انسان‌ها و تأثیر تروریسم بین‌الملل بر روابط دوستانه کشورها و همکاری بین‌المللی از جمله در زمینه توسعه را تقبیح می‌کند. بند یازده مقدماتی قطعنامه (۱۹۸۵) ۶۱/۴۰ از تأثیر تروریسم بر روابط بین‌الملل که ممکن است امنیت و تمامیت ارضی کشورها را تخریب کند ابراز نگرانی می‌کند و ذیل ماده ۳ نیز بخش اخیر ماده ۱ قطعنامه ۱۳۰ / ۳۸ را تکرار می‌کند. این امر ذیل بند هشت مقدمه قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ نیز تکرار شده است.

از اواخر دهه هشتاد، تأثیر تروریسم بر امنیت کشورها و روابط دوستانه آنها در قطعنامه‌ها قید می‌شود. قطعنامه (۱۹۸۷) ۱۵۹/۴۲ برای اولین بار در بند هشت مقدماتی «نگرانی عمیق خود از استمرار آن دسته از اقدامات تروریسم بین‌المللی که ممکن است تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی و روابط دوستانه میان کشورها ایجاد نماید» را اعلام می‌کند. اما در متن قطعنامه و طی مواد ۲ و ۳ همچنان به محکومیت از دست رفتن جان افراد در اثر عملیات تروریستی و تأثیر نامناسب اقدامات ناشی از تروریسم بین‌المللی بر روابط دوستانه میان کشورها از جمله در زمینه توسعه ادامه می‌دهد. بند سه مقدمه «اعلامیه در مورد اقدامات برای از بین بردن تروریسم بین‌الملل» منضم به قطعنامه (۱۹۹۴) ۶۰/۴۹ در کنار خطر تروریسم بین‌الملل بر جان افراد بیگناه، از تأثیر آن بر امنیت کشورها نیز سخن می‌گوید و در بند هشتم نیز تصریح دارد «مجاب شده است که مقابله با تروریسم بین‌الملل ... عنصری اساسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است». این معنی در بند پنجم از مقدمه قطعنامه (۱۹۹۹) ۱۲۶۷ نیز تکرار شده است.

۴.۳. تروریسم در قطعنامه‌های شورای امنیت

در فرآیند یادشده، قطعنامه‌های شورا از تعیین محورهای همکاری کشورها برای مبارزه با تروریسم در چارچوب یک «ادبیات ترغیبی»، به اقدامات عملی با «ادبیات تکلیفی» ذیل

فصل هفتم منشور^۱ متحول می‌شود بگونه‌ای که قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ تکالیف متعدد سلبی و ایجابی برای دولت‌ها وضع می‌کند ضمن اینکه در این روند، بخش قابل توجهی از مبارزه با تروریسم به ساختارهای هفت‌گانه تأسیس شده توسط شورا^۲ واگذار می‌شود. همچنین از قطعنامه ۱۰۵۴ «نقش مقابله با تروریسم در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» وارد قطعنامه‌های شورا شد^۳. در فرآیند این تحول، قطعنامه (۱۹۸۹) ۶۳۵ در مورد علامت‌گذاری مواد انفجاری پلاستیکی ذیل ماده ۲ صرفاً دولت‌ها را به پیشگیری از همه اقدامات تروریستی فرا می‌خواند و قطعنامه (۱۹۸۹) ۶۳۸ در مورد گروگانگیری ذیل ماده ۵ کشورها را به عضویت در کنوانسیون‌های ذیربط ترغیب می‌نماید. اما مواد ۴ تا ۶ قطعنامه (۱۹۹۲) ۷۴۸ برای عدم تمکین لیبی به درخواست‌های شورا مجازات‌هایی تحت فصل هفتم منشور برقرار نمود. در قضیه ترور رئیس‌جمهور وقت مصر در اتیوپی، ماده ۴ قطعنامه (۱۹۹۶) ۱۰۴۴ از سودان خواست از هرگونه تسهیل اقدامات تروریستی و پناه دادن به تروریست‌ها خودداری نماید و طی مواد ۳ و ۴ قطعنامه (۱۹۹۶) ۱۰۵۴ و ماده ۳ قطعنامه (۱۹۹۶) ۱۰۷۰ تحریم‌هایی علیه این کشور اعمال نمود. تشکیل دیوان ویژه رسیدگی به ترور رفیق حریری

۱. شورا از قطعنامه ۷۴۸ به بعد، به استثناء قطعنامه ۱۰۴۴، عموماً برای اقدام علیه تروریسم به فصل هفتم منشور متوسل شده است. بعنوان نمونه بنگرید به بند آخر از مقدمه قطعنامه‌های (۲۰۰۰) ۱۳۳۳، (۲۰۰۱) ۱۳۶۳، (۲۰۰۱) ۱۳۷۳، (۲۰۰۲) ۱۳۸۸، (۲۰۰۲) ۱۳۹۰، (۲۰۰۳) ۱۴۵۲، (۲۰۰۳) ۱۴۵۵.

۲. این ساختارها عبارتند از:

Al-Qaida/Taliban Sanctions Committee established pursuant to resolution 1267 (1999); Monitoring Group (MG) and the Sanctions Enforcement Support Team, established pursuant to Res. 1363 (2001); Counter-Terrorism Committee (CTC) established pursuant to resolution 1373 (2001); Counter-Terrorism Executive Directorate (CTED) established pursuant to resolution 1535 (2004); Working group to consider practical measures to be imposed upon individuals, groups or entities involved in or associated with terrorist activities and Trust Fund to compensate victims of terrorist acts and their families, established pursuant to resolution 1566 (2004) and Focal point to process submissions for de-listing under Council resolutions involving targeted sanctions established pursuant to resolution 11730 (2006).

۳. بند پنجم مقدمه قطعنامه (۱۹۹۶) ۱۰۴۴، بند نهم مقدمه (۱۹۹۶) ۱۰۵۴، بند دهم مقدمه (۱۹۹۶) ۱۰۷۰، بند پنجم مقدمه (۱۹۹۹) ۱۲۶۷، بند هشتم مقدمه (۱۹۹۹) ۱۲۶۹، بند هفتم (۲۰۰۰) ۱۳۳۳ و بند دوم مقدمه (۲۰۰۱) ۱۳۶۳. این ادبیات از قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ جای خود را به گزاره جدیدی می‌دهد که «تروریسم بین‌المللی را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» معرفی می‌کند. بعنوان نمونه، بند سوم از بخش مقدماتی همین قطعنامه و بند ماقبل آخر از بخش مقدمه قطعنامه (۲۰۰۳) ۱۴۵۵. همچنین بند اول از مقدمه قطعنامه (۲۰۰۳) ۱۴۵۶ و بند دوم مقدمه قطعنامه (۲۰۰۶) ۲۸۸/۶۰ تروریسم را «جدی‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» معرفی می‌کند.

در لبنان براساس قطعنامه (۲۰۰۷) ۱۷۵۷ را می‌توان برجسته‌ترین اقدام شورا در این زمینه دانست.

۴. کاستی‌ها در ادبیات حقوقی بین‌المللی مبارزه با تروریسم

معاهدات و قطعنامه‌های فوق‌الذکر سازمان ملل متحد ابعاد مختلف موضوع تروریسم را مورد توجه و رسیدگی قرار داده است. اما جامعه جهانی طی بند دهم از مقدمه قطعنامه (۱۹۹۷) ۲۱۰/۵۱ ضرورت تدوین یک کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم را تصویب و ذیل ماده ۶ این قطعنامه کمیته‌ای ویژه (Ad Hoc Committee) به این منظور تشکیل داد لیکن مذاکرات در این زمینه پس از دو دهه همچنان به نتیجه نرسیده است، امری که نشان می‌دهد جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل تا رسیدن به اجماع نسبی و دستیابی به یک تأسیس حقوقی مورد اتفاق برای مقابله با تروریسم فاصله زیادی دارد. به نظر می‌رسد علت این امر را بتوان عدم تعریف تروریسم و نادیده گرفتن ضرورت تمایز میان مبارزات مشروع ملت‌ها و تروریسم دانست.

۱.۴. خلاء تعریف تروریسم در اسناد سازمان ملل متحد

در قطعنامه‌های ذیربط سازمان ملل متحد، ضرورت ارائه تعریفی روشن از تروریسم بعضاً مورد تأکید بوده است. بند هیجده از مقدمه قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ «توجه می‌نماید به اینکه دستیابی به یک تعریف مورد پذیرش همگانی می‌تواند تأثیرگذاری مبارزه با تروریسم بین‌المللی را تقویت نماید». این معنی در بند هفدهم از مقدمه قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ عیناً تکرار شده است. بند نهم از مقدمه قطعنامه «استراتژی جهانی ضد تروریسم سازمان ملل متحد» نیز بر ضرورت ارائه تعریفی جامع و مورد اجماع از تروریسم تأکید نمود. علیرغم این واقعیت، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی عموماً با ذکر مصادیق تروریسم، از ورود به بحث تعریف این پدیده خودداری کرده‌اند. بعنوان نمونه، قطعنامه (۱۹۸۵) ۵۷۹ از «همه اقدامات آدم ربایی و گروگانگیری بعنوان نمونه‌های تروریسم بین‌المللی» یاد می‌نماید، همچنین کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو در ماده (۱ و ۲) ۱، کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه در ماده (a, b) ۱، کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال طی بخش (a-e) ۱ و

(a, b) ۲ از ماده ۱، کنوانسیون ۱۹۷۱ سازمان کشورهای امریکایی در ماده ۲، کنوانسیون ۱۹۷۳ در ماده (۱/a-e) ۲، کنوانسیون ۱۹۷۷ اروپایی مبارزه با تروریسم ذیل ماده ۱، کنوانسیون ۱۹۷۹ گروگانگیری در ماده (۱-۲) ۱، کنوانسیون ۱۹۸۷ سارک برای مبارزه با تروریسم ذیل ماده ۱، کنوانسیون ۱۹۸۸ رم در مورد منع اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی در ماده ۳، کنوانسیون ۱۹۹۹ در ماده ۲ و کنوانسیون ۲۰۰۵ در مورد منع تروریسم هسته‌ای در ماده ۲ صرفاً مصادیق تروریسم را مشخص می‌نمایند بدون اینکه تعریفی از مفهوم تروریسم ارائه کرده باشند.

۱.۱.۴. تعریف ضمنی تروریسم در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد

قطعنامه‌های (۱۹۹۵/۴۹) ۶۰ و (۲۰۰۶) ۲۸۸/۶۰ مجمع عمومی و (۲۰۰۴) ۱۵۶۶ شورای امنیت از نظر بحث تعریف تروریسم متفاوت از سایر اسناد است. مواد ۲ و ۳ اعلامیه مربوط به اقدامات برای محو تروریسم بین‌الملل منضم به قطعنامه شماره ۶۰/۴۹ بصورت ضمنی این تعریف را از تروریسم ارائه می‌نماید: ماده ۲: اقدامات، روش‌ها و اعمال تروریستی متضمن نقض فاحش اهداف و اصول ملل متحد است و می‌تواند موجب تهدید علیه صلح و ثبات جهانی شده، روابط دوستانه میان دولت‌ها را به مخاطره اندازد، مانع از همکاری بین‌المللی گردیده و حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و مبانی دموکراتیک جامعه را تضییع نماید. ماده ۳) اقدامات جنایی که برای ایجاد رعب میان مردم بصورت عام، گروهی خاص از افراد یا افراد خاص با اهداف سیاسی انجام شود، در هر شرایطی - صرفنظر از هر انگیزه سیاسی، فلسفی، اعتقادی، نژادی، قومی مذهبی یا هر ماهیت دیگری که ممکن است به آن متوسل شود- غیرقابل توجیه است.

ماده ۳ قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت مقرر می‌دارد «... اقدامات جنایی از جمله علیه افراد که با نیت قتل یا ایراد جراحت بدنی یا گروگانگیری با هدف ایجاد رعب در میان عموم مردم یا گروهی از افراد انجام شود، موجب ترس گروهی بشود یا دولت یا یک سازمان بین‌المللی را وادار به کاری یا خودداری از اقدامی نماید که در چارچوب کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مرتبط با تروریسم جرم تلقی شده است، تحت هیچ شرایطی بنا به ملاحظات سیاسی،

فلسفی، اعتقادی، نژادی، قومی، مذهبی یا ملاحظات مشابه قابل توجیه نیست و از همه دولت‌ها می‌خواهد تا از اینگونه اقدامات پیشگیری نمایند و چنانچه پیشگیری امکان پذیر نبود ایجاد اطمینان نمایند که اینگونه اقدامات متناسب با ماهیت آنها مجازات خواهند داشت»^۱.

بند ۷ از دیباچه قطعنامه ۲۸۸/۶۰ نیز مقرر می‌دارد «اقدامات و روش‌های تروریستی در همه اشکال آن، اعمالی است که با هدف تخریب حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و دموکراسی انجام می‌شود، تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را تهدید و دولت‌های تأسیس شده به روش مشروع را بی‌ثبات می‌کند و جامعه جهانی باید گام‌های لازم برای پیشگیری از آنها و مبارزه با تروریسم را بردارد».

هرچند که نوعی از تعریف عام و غیرمانع از مواد فوق‌الذکر در این سه قطعنامه قابل استنباط است اما هیچیک از آنها در واقع قصد تعریف تروریسم را نداشته و تصریحی در این زمینه ندارد ضمن اینکه بند ۹ دیباچه قطعنامه ۲۸۸/۶۰ تصریحاً ضرورت دستیابی به یک تعریف جامع را مورد تأکید قرار می‌دهد و لذا بصورت ضمنی اشاره می‌کند که مفاد بند ۷، تعریف مورد نیاز از تروریسم را تأمین نمی‌کند. بنا بر این، می‌توان گفت خلاء تعریف تروریسم در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد مشهود بوده و به قوت خود باقی است.

۲.۱.۴. تعریف تروریسم در کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

علیرغم خلاء مشهود در اسناد سازمان ملل متحد، تلاش‌هایی در سطح منطقه‌ای و بصورت پراکنده برای تعریف مفهوم تروریسم انجام شده که به نوبه خود بستر ارزشمندی را برای پرکردن خلاء مذکور فراهم می‌نماید. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) کنوانسیون عرب در مورد مبارزه با تروریسم: وفق ماده (۲) ۱ این کنوانسیون، تروریسم عبارت است از «هرگونه اقدام به تهدید، صرف نظر از انگیزه و اهداف آن، که در

۱. بخشی محدودتری از این ماده قبلاً در ماده ۲ شماری از قطعنامه‌های مجمع عمومی از جمله (۲۰۰۲) ۸۸/۵۶ (۲۰۰۳) ۲۷/۵۷، (۲۰۰۴) ۷۱/۵۸ و (۲۰۰۴) ۴۶/۵۹ مجمع عمومی منعکس شده است.

راستای پیشبرد برنامه جنایی فردی یا جمعی با هدف ایجاد وحشت میان مردم، ایجاد ترس بوسیله آسیب رساندن به آنها، یا به خطر انداختن جان، آزادی و امنیت آنها بشود؛ یا در پی تخریب زیست بوم یا تأسیسات عمومی یا شخصی یا اشغال یا گرفتن آنها شود؛ یا در پی به خطر انداختن یک منبع ملی باشد».

ب) کنوانسیون سازمان وحدت افریقا در مورد پیشگیری از تروریسم و مبارزه با آن: ذیل ماده (۳) ۱ این کنوانسیون، عمل تروریستی عبارت است از الف): هرکاری که نقض قوانین کیفری دولت‌های عضو کنوانسیون بوده و ممکن است جان، سلامتی و آزادی را به خطر اندازد یا موجب جراحت شدید یا مرگ هر فرد، هر تعداد از افراد یا گروهی از افراد بشود یا بصورت بالقوه یا بالفعل موجب ایراد زیان به اموال عمومی یا خصوصی، منابع طبیعی، محیط زیست یا میراث فرهنگی بشود و با طراحی یا نیت زیر انجام شود: ۱- ترساندن، وادار نمودن هر دولت، شخص، نهاد، عموم مردم یا بخشی از آنها به انجام یا عدم انجام کاری، اتخاذ یا ترک موضعی، انجام کار بر اساس اصول مشخصی یا ۲- متوقف نمودن هر خدمت عمومی، عرضه هر خدمت اساسی به عموم مردم یا ایجاد وضعیت اضطراری عمومی ۳- مبادرت به شورش عمومی در یک دولت و ب) هرگونه معاضدت، ترویج، حمایت، فرمان، مساعدت، ترغیب، تلاش، تهدید، توطئه، سازماندهی و استخدام افراد با نیت ارتکاب هرکاری که در بند الف ذکر شد.

ج) پیمان همکاری میان کشورهای مستقل^۱ مشترک المنافع (CIS) برای مبارزه با تروریسم: بر اساس ماده ۱ این پیمان، تروریسم عملی غیرقانونی و قابل مجازات ذیل حقوق کیفری است که با هدف تضعیف ایمنی عموم، تاثیرگذاری بر تصمیم گیری توسط مقامات یا ارباب مردم انجام می‌شود و اشکال زیر را دارد: خشونت یا تهدید به خشونت علیه افراد حقیقی یا حقوقی، تخریب یا تهدید به تخریب اموال بگونه‌ای که زندگی مردم را بمخاطره اندازد، ایراد صدمه اساسی به اموال یا سایر موجبات خطر برای جامعه، تهدید جانی یک دولتمرد یا شخصیت ملی با هدف پایان دادن به موقعیت او یا سایر فعالیت‌های عمومی او در پرتو این اقدام، حمله به نماینده یک کشور خارجی یا نیروی مورد حمایت بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی و اقامتگاه یا خودرو فرد مورد حمایت بین‌المللی، سایر اقداماتی که ذیل

قوانین ملی کشورهای عضو یا معاهدات بین‌المللی تدوین شده با هدف مبارزه با تروریسم بعنوان اقدام تروریستی شناخته شده‌اند.

د) کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی: وفق ماده (۲) ۱ این سند، تروریسم عبارت است از هر کار خشونت‌آمیز یا تهدید به ارتکاب چنین کاری، صرف نظر از انگیزه‌ها یا نیت ناظر بر اجرای یک طرح جنایی فردی یا جمعی با هدف ترساندن مردم یا تهدید به صدمه زدن به آنها یا بخطر انداختن جان، حرمت، آزادی‌ها، امنیت، حقوق آنها یا ایراد زیان به محیط زیست یا هر تأسیسات یا اموال عمومی و خصوصی یا اشغال یا تصرف آنها یا به مخاطره انداختن یک منبع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدید ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت دولت‌های مستقل.

ه) پیش نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم بین‌المللی: ماده ۲ این سند مقرر می‌دارد (۱) هرگاه شخصی بصورت غیرقانونی و متعمدانه اقدامات زیر را انجام دهد، جرائم موضوع این کنوانسیون را مرتکب شده است: الف) قتل یا ایراد جراحت شدید نسبت به هر فردی یا ب) صدمه جدی به اموال عمومی یا شخصی از جمله یک مکان مورد استفاده عموم، ساختمان دولتی، سیستم حمل و نقل عمومی، یک زیرساخت یا به محیط زیست، پ) ایراد صدمه به اموال، اماکن، تأسیسات یا سیستم‌های مورد اشاره در پاراگراف (ب) ۱ از ماده حاضر که موجب زیان عمده اقتصادی شود یا احتمال ورود آن باشد، اگر هدف این کار ذاتاً یا بصورت عرضی، ترساندن گروهی از مردم یا وادار نمودن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از کاری باشد. (۲) هر فردی مرتکب جرم می‌شود اگر تهدید قابل توجه یا جدی برای ارتکاب اعمال مندرج در پاراگراف ۱ ماده حاضر نماید.

همانگونه که مشاهده می‌شود، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد عملاً فاقد تعریف مشخصی از تروریسم است. تعاریف ارائه شده در کنوانسیون‌های منطقه‌ای نیز به خاطر محدود بودن دامنه شمول آنها، قابلیت تسری و الزام آوری جهانی ندارد. کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم بین‌المللی نیز فعلاً در مرحله پیش نویس است. لذا خلاء یک تعریف مدون و کاربردی با رعایت نیازهای عملی و الزامات حقوقی کاملاً مشهود است. در پایان

پژوهش حاضر، بر اساس این معیارها تعریفی از تروریسم پیشنهاد می‌شود.

۲.۴. «انگیزه‌های توسل به تروریسم» در معاهدات و پیامدهای حقوقی نادیده گرفتن آن

مقابله با تروریسم مانند هر پدیده‌ای دیگر صرفنظر از ابعاد مختلف آن، مستلزم پرداختن به ریشه‌ها و انگیزه‌های توسل به خشونت است. سازمان ملل متحد در ابتدای روند رسیدگی به این موضوع به درستی به این مهم توجه نموده است لیکن این مهم در فرآیند ضمنی تحول مفاهیم و ادبیات مربوط به مبارزه با تروریسم نادیده گرفته شده است.

۱.۲.۴. توجه جامعه جهانی به ضرورت پرداختن به «انگیزه‌ها»

قطعنامه (۱۹۷۲) ۳۰۳۴ بعنوان اولین قطعنامه مجمع عمومی برای مبارزه با تروریسم ذیل ماده ۲ «دولت‌ها را ترغیب می‌نماید نسبت به دستیابی به راه حل عادلانه و مسالمت‌آمیز برای مسائلی که موجب اقدامات خشونت‌آمیز می‌شود توجه فوری نمایند». ذیل ماده ۳ «حق ذاتی همه ملت‌های تحت استعمار، رژیم‌های نژادپرست و سایر اشکال سلطه بیگانه بر تعیین سرنوشت و استقلال را مورد تأیید دوباره قرار می‌دهد و مشروعیت مبارزات آنها بویژه مبارزه جنبش‌های ملی آزادیبخش را مورد تأکید قرار می‌دهد».

بند دوم از مقدمه قطعنامه‌های (۱۹۷۲) ۳۰۳۴، (۱۹۷۶) ۱۰۲/۳۱ و (۱۹۷۷) ۱۴۷/۳۲ «اهمیت بررسی دلائل اقدامات تروریستی بمنظور دستیابی به راه حل‌های عادلانه و مسالمت‌آمیز را مورد توجه قرار می‌دهد». همچنین هر سه قطعنامه در ماده ۲ دولت‌ها را به این امر ترغیب می‌نماید و در ماده ۳ نیز حق ذاتی ملت‌های تحت استعمار، رژیم‌های نژادپرست و سایر اشکال سلطه بیگانه در تعیین سرنوشت خود و استقلال را مورد تأکید قرار می‌دهد و از مبارزات استقلال طلبانه آنها حمایت می‌نماید. متن این ماده عیناً در بند ۵ از مقدمه قطعنامه (۱۹۷۹) ۱۴۵/۳۴، بند ۶ از قطعنامه‌های (۱۹۸۱) ۱۰۹/۳۶ و (۱۹۸۳) ۱۳۰/۳۸، بند ۷ و ۸ قطعنامه (۱۹۸۵) ۶۱/۴۰، بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه (۱۹۸۷) ۱۵۹/۴۲، بند ۱۵ و ۱۶ قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ و بند ۱۴ و ۱۵ قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ تکرار شده است. ماده ۱۷ قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ و ماده ۱۵ قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ برای اطمینان بیشتر

تأکید می‌کند هیچ چیز در این قطعنامه نباید موجب به خطر افتادن مفاد یادشده گردد. ماده ۶ قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ از کشورها می‌خواهد برای از بین بردن انگیزه‌های تروریسم از جمله استعمار، تبعیض نژادی، موارد نقض آشکار و فراگیر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، موارد مرتبط با سلطه بیگانه و اشغال خارجی که ممکن است موجب تروریسم بین‌المللی شده و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد، همکاری نمایند.

کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی برای مبارزه با تروریسم در پاراگراف هفتم بخش مقدمه مقرر می‌دارد «با پایبندی به مبارزه با همه اشکال و نمادهای تروریسم و از بین بردن اهداف و علل آن ...». در پاراگراف هشتم نیز بر حق مشروع مبارزه با تجاوز و اشغال خارجی در راستای آزادی سرزمین و حق تعیین سرنوشت با هر ابزاری از جمله مبارزه مسلحانه ... تأکید می‌نماید. ذیل ماده (a) ۲ نیز مقرر می‌دارد «مبارزه مردم، از جمله مبارزه مسلحانه، علیه اشغال خارجی، تجاوز، استعمار و تهاجم؛ با هدف آزادی و تعیین سرنوشت وفق اصول حقوق بین‌الملل نباید یک جرم تروریستی تلقی شود». کنوانسیون ۱۹۹۸ عرب برای مقابله با تروریسم نیز در بند چهارم مقدمه، بر حق مبارزه با تجاوز و اشغال خارجی با هر ابزاری (Whatever Means) از جمله مبارزه مسلحانه برای آزادی سرزمین و تأمین حق تعیین سرنوشت و استقلال تأکید می‌نماید. در ماده (a) ۲ با تکرار بند چهارم مقدمه تصریح می‌نماید «هر اقدام در راستای مقابله با تجاوز و اشغال خارجی و تأمین حق تعیین سرنوشت در چارچوب اصول حقوق بین‌الملل جرم تلقی نمی‌شود». کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان وحدت آفریقا در مورد پیشگیری از تروریسم هم در پاراگراف هفتم از مقدمه مقرر می‌دارد با «تأیید دوباره حق مشروع مردم بر تعیین سرنوشت و استقلال ذیل اصول حقوق بین‌الملل و مقررات منشور سازمان وحدت آفریقا و منشور ملل متحد و منشور حقوق بشر و ملت‌ها». ذیل ماده ۳ نیز مقرر می‌دارد «... مبارزه مردم وفق اصول حقوق بین‌الملل برای کسب آزادی یا حق تعیین سرنوشت، از جمله مبارزه مسلحانه علیه استعمار، اشغال، تجاوز یا سلطه نیروهای بیگانه، نباید اعمال تروریستی تلقی شود».

۲.۲.۴. تغییر روند و نادیده گرفته شدن «انگیزه‌های توسل به تروریسم»

علیرغم این روند مستمر که تا اوائل دهه نود میلادی ادامه یافته است، ادبیات سازمان ملل متحد بتدریج از این سنت فاصله می‌گیرد بگونه‌ای که در اعلامیه مربوط به اقدامات برای محو تروریسم بین‌الملل و قطعنامه مربوطه (۶۰/۴۹-۱۹۹۴) اثری از پاراگراف مربوط به انگیزه‌ها نیست. در استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد منضم به قطعنامه (۲۰۰۶) ۲۸۸/۶۰ نیز عنوان «مناقشات طولانی که لاینحل مانده» جای مفاهیم مدون قبلی مانند اشغال و سلطه خارجی را می‌گیرد. ضمیمه این قطعنامه تحت عنوان برنامه عمل (Action Plan) در قسمت مقدمه بخش ۱ مقرر می‌دارد «مصمم هستیم اقدامات زیر را با هدف رسیدگی به شرایطی که موجب گسترش تروریسم می‌شود انجام دهیم از جمله مناقشات طولانی که لاینحل مانده، ...».

پس از دوره فوق‌الذکر و در پرتو رویه جدید، گزاره‌هایی مانند مبارزات رهایی بخش و مقاومت در برابر استعمار، اشغال خارجی، آپارتاید و ... کاملاً از اسناد سازمان کنوانسیون‌های مربوط به مبارزه با تروریسم حذف شده است. در عین حال از نظر فنی این نکته نیز قابل توجه است که اولاً گزاره‌های فوق عمده‌تاً در قطعنامه‌های مجمع عمومی و بویژه بخش مقدماتی آن منعکس شده بود که بار اجرایی ندارد و ثانیاً هیچگونه انعکاسی در قطعنامه‌های ذیربط شورای امنیت نداشته است. بنا بر این عدم توجه بایسته نسبت به این مهم در اسناد سازمان ملل متحد از ابتدا وجود داشته و طی یک دهه گذشته کاملاً جدی شده است. این درحالی است که بعنوان نمونه، توجه به حقوق بشر در چارچوب مبارزه با تروریسم تا کنون بیش از ۱۸ قطعنامه مستقل مجمع عمومی از جمله بخش چهارم «استراتژی سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم» و بخش ششم از «توصیه‌های دبیرکل برای مبارزه فراگیر با تروریسم» را به خود اختصاص داده است.

۳.۲.۴. پیامد خلاء حقوقی در «دفاع مشروع»

ماده ۵۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را

به عمل آورد، هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع- خواه فردی یا دسته جمعی- لطمه‌ای وارد نخواهد کرد...». مناقشات حقوق دانان در مورد «ضرورت وقوع حمله مسلحانه بعنوان پیش شرط حق توسل به دفاع مشروع» پس از تصویب منشور و بویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر آنها را به دو گروه معتقدین به تفسیر مضیق و موسع از ماده ۵۱ تبدیل نموده است (Corten, 2005: 803-822). گروه اول با اتکاء به اصل منع توسل به زور از جمله ذیل ماده (۴) ۲ منشور، تأکید دارد وقوع حمله مسلحانه پیش شرط تحقق حق دفاع مشروع است. اما گروه دوم تأکید بر واژه «ذاتی» را قرینه کافی برای عرفی بودن حق دفاع مشروع دانسته و آنرا دلیل ضرورت تفسیر موسع از این حق و ماده ۵۱ بمنظور تامین نیازهای جاری برای مقابله با تروریسم می‌داند. شورای امنیت در بند سوم مقدمه قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۶۸ و بند چهارم مقدمه قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ به «حق ذاتی کشورها در دفاع مشروع» اشاره می‌نماید اما بلافاصله تصریح می‌نماید «انگونه که در منشور ذکر شده است». صرف نظر از میزان اتقان حقوقی دلائل موافقین یا مخالفین تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور، اشاره قطعنامه‌های یادشده به حق دفاع مشروع را می‌توان اجمالاً قرینه‌ای بر امکان تفسیر موسع از حق دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ دانست. اما در این صورت، نادیده گرفته شدن مبانی حقوقی مبارزات آزادیبخش و ابهام در تعریف تروریسم که تفکیک میان مبارزات مشروع آزادیبخش و توسل به تروریسم را ممتنع نموده است؛ امکان «سوء استفاده از حق دفاع مشروع» برای مقابله با مبارزات مشروع و شناخته شده مطابق حقوق بین‌الملل بعنوان اقدامات تروریستی را فراهم می‌نماید.

۴.۲.۴. پیامد خلاء حقوقی در «نقض حقوق بشردوستانه»

خلاء دوگانه ناشی از عدم تعریف تروریسم و نادیده گرفتن مبانی حقوقی مبارزات مشروع بصورت گسترده‌ای امکان نقض حقوق بشردوستانه را فراهم می‌نماید. با گسترش رویدادها و غلبه ادبیات مبارزه با تروریسم، بسیاری از کشورها تلاش نمودند مخالفین خود را بعنوان تروریسم معرفی نموده و در این چارچوب با آنها برخورد نمایند. در این زمینه دو بحث اصلی مطرح می‌شود. اولاً مبارزات آزادیبخش از جمله مبارزه مسلحانه ذیل اصول حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. لذا مقابله با آن نقض اصول یادشده است. ثانیاً

حقوق بین‌الملل بشردوستانه معیارهای مشخصی برای تعیین نیروی رزمنده و حدود قانونی هدف قراردادن آنها مشخص نموده است. در بحث مبارزات غیرکلاسیک که شامل هر دو وضعیت تروریسم و مبارزات مشروع می‌شود، ابهام در تعریف تروریسم به معنی امکان نقض اصول حقوق بشردوستانه و اصول حقوق بین‌الملل در خصوص مشروعیت مبارزات آزادی‌بخش خواهد بود. این وضعیت تاکنون موجب مباحث گسترده‌ای در مورد مفهوم کشتار هدفمند (Targeted Killing) در ادبیات رسمی^۱ و آکادمیک میان موافقین (MacDonald, 2011: 126-144) و مخالفین (O Connell, 2010, No. 09-43) شده و برخی نیز تلاش نموده‌اند راه حل حقوقی میانه‌ای (Kretzmer, 2005: 171-212) ارائه نمایند.

۵. نتیجه‌گیری

طی نیم قرن گذشته، جامعه جهانی توجه شایسته‌ای به موضوع تروریسم داشته و با تولید اسناد و ادبیات ذریبط در سطوح مختلف از کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تا قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، ابعاد گسترده‌ای از این پدیده را با رویکرد ترغیبی و سپس تکلیفی پوشش داده است. در عین حال دو ضعف اساسی در این روند مشاهده می‌شود که موید انگاره پژوهش حاضر است:

یکم - عدم توازن: بررسی میزان توجه به ابعاد مختلف موضوع تروریسم، نوعی عدم توازن محسوس را نشان می‌دهد. بعنوان نمونه، جامعه جهانی تأکید همه جانبه و شایسته‌ای بر بعد حقوق بشری تروریسم و مقابله با آن داشته اما عیلرغم تصریح قطعنامه‌های مکرر بر رابطه قاچاق موادمخدر و تروریسم، عملاً حتی یک قطعنامه غیرالزام آور مجمع عمومی نیز در این زمینه تصویب نشده است.

دوم - خلاء تعریف تروریسم و نادیده گرفتن مبارزات مشروع: عدم ارائه تعریف منسجم از تروریسم و نادیده گرفتن ضرورت تفکیک میان مبارزات آزادی‌بخش با تروریسم دو مانع

۱. بنگرید به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در خصوص قتل‌های خودسرانه ذیل قطعنامه A/HRC/14/24/Add.6 مورخ ۲۸ می ۲۰۱۰ شورای حقوق بشر.

بزرگ تلاش جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم بوده است. در واقع هر دو موضوع ارتباط معناداری با همدیگر دارند زیرا بدون وجود تعریف روشنی از تروریسم، تفکیک میان یک اقدام در چارچوب مبارزات آزادی‌بخش و یک عملیات تروریستی ممکن نیست. طبعاً توسل به اقدامات تروریستی در مبارزات آزادی‌بخش مردود است. اما از آنجائی که در حقوق بین‌الملل، همچنان دولت بعنوان نهاد قانونگذار و مجری قانون (حقوق بین‌الملل) تلقی می‌شود، ابهام در مرز مبارزات آزادی‌بخش و تروریسم موجب می‌شود هر دولتی و بویژه دولت‌های اشغالگر، بتواند به مخالفین خود اتهام تروریستی وارده نموده و در این چارچوب با آنها برخورد نمایند. طبعاً این وضعیت علاوه بر مشکلاتی که در چارچوب مفاهیم حقوق بشردوستانه برای مبارزه با تروریسم ایجاد می‌نماید، بطور اخص حق مقاومت در برابر اشغال و مبارزه برای حق تعیین سرنوشت بعنوان دو حق مسلم حقوقی را نیز نادیده می‌گیرد و از این ناحیه، مبانی حقوقی مبارزه با تروریسم را مخدوش می‌نماید. آنچه نگرانی در این زمینه را بیشتر می‌کند، حذف ادبیات مربوط به مبارزات آزادی‌بخش از اسناد بین‌المللی و بویژه سازمان ملل متحد است. شاید مدافعان این وضعیت استدلال کنند که حذف این ادبیات به دلیل مسائلی چون اتمام دوره استعمار، از بین رفتن رژیم آپارتاید در افریقای جنوبی باشد لیکن اولاً یک جستجوی ساده در فضای مجازی نشان می‌دهد که همچنان فهرست قابل توجهی از سرزمین‌های وابسته وجود دارد^۱ که نادیده گرفتن خواسته مردم آنها برای استقلال مغایر با بدیهیات اصول حقوق بشر است. ثانیاً قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت بر وجود وضعیت اشغال در فلسطین اشغالی و قبرس شمالی تصریح دارد و ثالثاً به لحاظ نظری امکان پیدایش این وضعیت‌ها در نقاطی از جهان منتفی نیست. لذا نادیده گرفتن آن مغایر با منطق حقوق است.

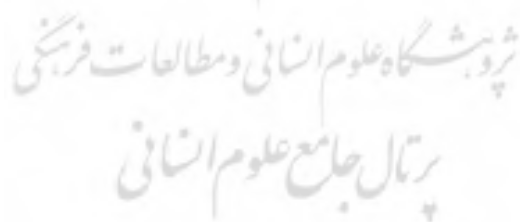
از طرف دیگر تعریف‌های ارائه شده در کنوانسیون‌های منطقه‌ای به دلیل دامنه محدود جغرافیایی این کنوانسیون‌ها یا وجود قیدهای مشخص مانند قید عدم شناسایی ضمنی مبارزات آزادی‌بخش در سرزمین‌های عربی در ماده ۲(a) کنوانسیون عربی مبارزه با

۱. برای مشاهده فهرستی از این سرزمین‌ها بنگرید به پایگاه اینترنتی ویکیپدیا مشاهده شده در خرداد ۱۳۹۴:

http://en.wikipedia.org/wiki/Dependent_territory#Lists_of_dependent_territories

تروریسم؛ نمی‌تواند پاسخگوی این خلاء باشد. بر این اساس، رفع کاستی‌های سه گانه فوق الذکر و تدوین و تصویب تعریفی جامع از تروریسم، همچنان ضرورتی اجتناب ناپذیر است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تعریف‌های فوق الذکر و تعریف ارائه شده توسط «دیوان دادرسی بین‌المللی برای لبنان»^۱، تعریف زیر از تروریسم را پیشنهاد می‌دهد:

تروریسم عبارت است از اقدام یا تهدید به کشتن، صدمه زدن، گروگانگیری، آدم ربایی، وادار نمودن افراد (حقیقی یا حقوقی مانند دولت) به انجام یا امتناع از کاری، تخریب زیست بوم یا زیرساخت‌های خدمات عمومی و میراث فرهنگی، نقض حقوق بنیادین بشر و تهدید امنیت عمومی و صلح و ثبات ملی و/ یا خارجی همگی به قصد ایجاد رعب و وحشت در جامعه. اقدام در چارچوب مبارزات آزادی‌بخش- از جمله مبارزات مسلحانه- که حدود آن در حقوق بین‌الملل مشخص شده است، متمایز از این مقوله بوده و عمل مجرمانه یا تروریستی شناخته نمی‌شود.



۱. شعبه استیناف دیوان دادرسی برای لبنان (Special Tribunal for Lebanon)، که به موجب قطعنامه (۲۰۰۵) ۱۶۶۴ شورای امنیت برای رسیدگی به پرونده ترور رفیق حریری تشکیل شد، در سال ۲۰۱۱ ویژگی‌های یک اقدام تروریستی را تعمدی بودن اقدام، انجام عمل بوسیله ابزارهایی که می‌تواند خطراتی برای عموم ایجاد کند و نهایتاً نیت عامل برای ایجاد وضعیت رعب ذکر نمود. بنگرید به: (Puchooa, 2011: 42).

منابع و مأخذ

1. Arab Convention on the Suppression of Terrorism, signed at a meeting held at the General Secretariat of the League of Arab States in Cairo on 22 April 1998.
2. Charter of the United Nation.
3. Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation, Montreal, 23 Sep. 1971.
4. Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation, Rome, 10 March 1988.
5. Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, the Hague, 16 December 1970.
6. Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism, adopted at Ouagadougou on 1 July 1999.
7. Convention on Offences and Certain Other Acts Committed on Board Aircraft, Tokyo, 14 September 1963.
8. Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection, Montreal, 1 March 1991.
9. Convention on the Physical Protection of Nuclear Material, Vienna, 3 March 1980.
10. Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents, adopted by the General Assembly of the United Nations on 14 December 1973.
11. Convention on the Suppression of Unlawful Acts Relating to International Civil Aviation, Beijing, 10 Sep. 2010.
12. Corten, Olivier,(2005), The Controversies Over the Customary Prohibition on the Use of Force: A Methodological Debate, EJIL, Vol. 16 No. 5, 803° 822.
13. European Convention on the Suppression of Terrorism, concluded

at Strasbourg on 27 January 1977.

14. General Assembly Resolution A/RES/3034(XXVII), 18 December 1972; Resolution A/RES/31/102, 15 December 1976; Resolution A/RES/32/147, 16 December 1977; Resolution A/RES/36/109, 10 December 1981; Resolution A/RES/38/130 , 19 December 1983; Resolution A/RES/40/61, 9 December 1985; Resolution A/RES/42/159, 7 December 1987; Resolution A/RES/44/29, 4 December 1989; Resolution A/RES/46/51, 9 December 91; Resolution A/RES/49/60, 17 Feb. 95; Resolution A/RES/51/210, 16 January 1997; Resolution A/RES/56/88, 24 January 2002; Resolution A/RES/57/27, 15 January 2003; Resolution A/RES/57/83, 9 January 2003; Resolution A/RES/58/81, 8 January 2004; Resolution A/RES/59/46, 16 December 2004; Resolution A/RES/60/73, 11 January 2006; Resolution A/60/825, 27 April 2006; Resolution A/RES/60/288, 20 September 2006 and Resolution A/HRC/14/24/Add.6, 28 May 2010.
15. http://en.wikipedia.org/wiki/Dependent_territory#Lists_of_dependent_territories
16. <http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=definition&UID=6698913>
<http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=definition&UID=6698913>
17. International Convention against the Taking of Hostages, UN General Assembly, 17 December 1979.
18. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, UN General Assembly, 13 Apr 2005.
19. International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, UN General Assembly, 15 December 1997.
20. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, UN General Assembly, 9 Dec. 1999.
21. Kretzmer, David, (2005), Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra-Judicial Executions or Legitimate Means of

- Defence , EJIL, Vol. 16 No. 2, 171° 212.
22. MacDonald, Scott D., The Lawful Use of Targeted Killing in Contemporary International Humanitarian Law , Journal of Terrorism Research, Volume 2, Issue 3, November 2011, 126-144.
 23. O Connell, Mary Ellen, Unlawful Killing with Combat Drones; A Case Study of Pakistan, 2004-2009, Notre Dame Law School, Legal Studies Research Paper No. 09-43, July 2010.
 24. OAS Convention to Prevent and Punish Acts of Terrorism Taking the Form of Crimes against Persons and Related Extortion that are of International Significance, Washington DC. Feb 1971.
 25. OAU Convention on the Prevention and Combating of Terrorism, adopted at Algiers on 14 July 1999
 26. Protocol for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf, Rome, 10 March 1988.
 27. Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation, Montreal 1988.
 28. Puchooa Prakash (2011), Defining Terrorism at the Special Tribunal for Lebanon , Journal of Terrorism Research, Vol. 2(3), 34-48.
 29. SAARC Regional Convention on Suppression of Terrorism, signed at Kathmandu on 4 Nov. 1987.
 30. Treaty on Cooperation among States Members of the Commonwealth of Independent States in Combating Terrorism, done at Minsk on 4 June 1999.
 31. UN Security Council Resolution S/RES/2195, December 2014; Resolution S/RES/1730, 19 December 2006; Resolution S/RES/1566, 8 October 2004; Resolution S/RES/1535, 26 March 2004; Resolution S/RES/1526, 30 January 2004; Resolution S/RES/1455, 17 January 2003; Resolution S/RES/1456, January 2003; Resolution S/RES/1390, 28 January 2002; Resolution S/RES/1388, 15 January 2002; Resolution S/RES/1377, 12

November 2001; Resolution S/RES/1373, 28 September 2001; Resolution S/RES/1368, 12 September 2001; Resolution S/RES/1363, 30 June 2001; Resolution S/RES/1333, December 2000; Resolution S/RES/1269, 19 October 1999; Resolution S/RES/1267, 15 October 1999; Resolution S/RES/1044, 31 January 1996; Resolution S/RES/1054, 26 April 1996; Resolution S/RES/1070, 16 August 1996; Resolution S/RES/748, 31 March 1992; Resolution S/RES/635, 14 June 1989; Resolution S/RES/638, 31 July 1989; Resolution S/RES/579, 18 December 1985 and Resolution S/RES/286, 9 September 1970.

